

مارکتینگ پلن نویسی

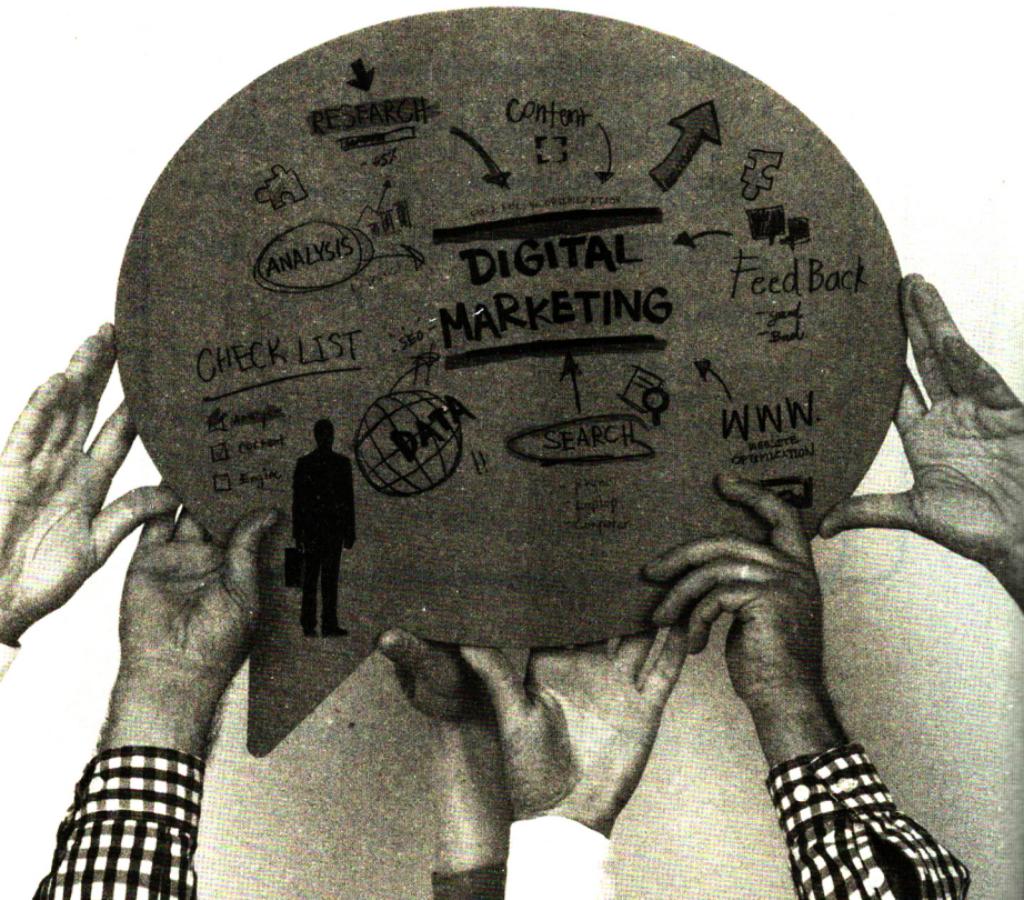
ارائه نوینی از برنامه‌ها و استراتژی‌های بازاریابی

نویسنده:

مالکوم مک دونالد

مترجمان:

دکتر امین اسداللهی
عبدالفتاح جهانگیری



فهرست مطالب

۷	مقدمه
۹	پیشگفتار نویسنده
۱۱	پیشگفتار مترجمان
۱۵	فصل اول: بباید واقعی باشیم
۳۵	فصل دوم: خلاص شدن از این موقعیت مدیریت مزخرف
۵۹	فصل سوم: درک معنای حقیقی ارزش مشتری
۸۱	فصل چهارم: روش بسیار عملی برای شروع برنامه ریزی بلندمدت سودآور
۹۵	فصل پنجم: بخش بندي بازار
۱۳۵	فصل ششم: مشتریان ما چه می خواهند؟
۱۵۹	فصل هفتم: اهداف بازاریابی را چطور تعیین کنیم؟
۱۸۱	فصل هشتم: راهبردهای بازاریابی را چطور تعیین کنیم؟
۱۹۷	فصل نهم: سیستم برنامه ریزی راهبردی گام به گام
۲۱۹	فصل دهم: چطور با مشکلات برخورد کنیم؟

باید واقعی باشیم

طی این فصل، خوانندگان با مطالعه زیر آشنا می‌شوند:

- چیرگی و برتری مشتریان بر محصولات؛
- چرا معامله براساس قیمت، خطرناک است؛
- چرا استراتژی دیجیتال بدون استراتژی بازارگانی قوی غیرممکن است؛
- چرا فقط صرفه‌جویی در هزینه‌ها و کارهای مقطوعی برای موفقیت اثربخش نیست؛
- سازمان‌های امروزی با چه مشکلات واقعی روبرو هستند؛
- سازمان‌های پیشرو برای موفقیت چه کارهایی انجام می‌دهند؛

مقدمه

این کتاب، به سادگی، درباره چگونگی توسعه استراتژی بازاریابی است. من مدیر عامل شش کسب‌وکار کوچک و متوسط هستم و دو سوم از درآمد من از خارج از کشور است. همچنین در سی سال گذشته در سطح هیئت مدیره شرکت‌های مهم چندملیتی کار کرده‌ام؛ بنابراین بزرگترین و موفق‌ترین شرکت‌های جهان را با

بهترین ریسک‌پذیران و کارآفرینان دنیا مرتبط می‌کنم؛ بنابراین در این کتاب هیچ مطلبی وجود نخواهد داشت که من آن را بیان کرده باشم ولی در زندگی روزمره تجاری و کاری خودم آن را به کار نبرم. پس مشکل چیست؟
برویم و با سؤالی ساده آغاز کنیم.

به ترتیب اولویت، اهداف کلیدی در بازار شما چیست؟

به طور معمول، مدیران در پاسخ به این سؤال، محصولات خود را لیست می‌کنند (به عنوان مثال نرم‌افزار حقوق بازنیستگی^۱).

با این حال، به آن‌ها یادآوری می‌کنم که «آی‌بی‌ام»^۲ تقریباً به تازگی ورشکست شده است؛ چون آن‌ها فکر می‌کردند که در بازار پردازنده کامپیوتر^۳ هستند. شرکت «گشتتر»^۴ تصور می‌کرد که آن‌ها در بازار دستگاه پلی‌کپی هستند و اخیراً «کدک»^۵ تصور می‌کرد که آن‌ها در بازار دوربین^۶ فعالیت می‌کند، «نوکیا» فکر کرد آن‌ها در بازار تلفن بودند و غیره.

هرگز بر این باور نبوده‌ام که شرکت‌ها ورشکسته می‌شوند، چون کالاهای آن‌ها ضعیف است، بلکه معتقدم آن‌ها ورشکسته می‌شوند چون قادر مشتری هستند.

1. Pensions Software
2. IBM
3. Mainframe Market
4. Gestetner
5. Kodak
6. Camera Market